

تجربه دانشجویان بین‌المللی در ایران؛ تبیین نقش قرابت فرهنگی بر انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران

حمیده مولایی^۱ *، زهرا مجدی زاده^۲

۱. گروه مطالعات جنوب و شرق آسیا و اقیانوسیه، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
 ۲. گروه ارتباطات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مشخصات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی موضوع: فرهنگ حوزه موضوعی: ایران	شناخت میزان انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی و مؤلفه‌های مرتبط با آن اهمیت زیادی دارد. در این مقاله، میزان انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران بررسی شده است. با توجه به مؤلفه‌های متعدد و مرتبط با میزان این انطباق، در این مقاله، به‌طور خاص، بر عامل قرابت فرهنگی تأکید شده است. همچنین، شناخت ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانشجویان به‌عنوان سایر مؤلفه‌های مرتبط بررسی شده است. با توجه به اینکه میزان انطباق بین فرهنگی تابع موانع شکل‌گیری آن است، در این مقاله مهم‌ترین موانع انطباق نیز بررسی شده است. به این منظور، از روش کمی برای پاسخ به سؤال‌های تحقیق استفاده شد. داده‌های تحقیق به روش پیمایش به دو صورت حضوری و برخط از میان ۲۸۴ دانشجوی بین‌المللی دانشگاه تهران جمع‌آوری شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان از مقدار متوسط بیشتر است. همچنین، میان‌آشنایی با زبان فارسی و تطابق فرهنگی اجتماعی آن‌ها رابطه معنادار زیادی وجود دارد. علاوه بر این، بین اسلامی بودن کشور دانشجویان و میزان انطباق آن‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. ویژگی‌های فردی دانشجویان نیز با میزان انطباق آن‌ها ارتباط معنادار دارد. همچنین، ویژگی‌های دانشجویان از قبیل مثبت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، سرسختی، مقاومت، شکیبایی، کاردانی، تنظیم عواطف، اعتمادبه‌نفس، تطابق با شرایط و برقراری ارتباط، با سطح تطابق بین فرهنگی رابطه مثبت معنادار دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱	
واژگان کلیدی: انطباق بین فرهنگی، توانش زبانی، قرابت فرهنگی، قرابت مذهبی، مهارت بین فرهنگی.	

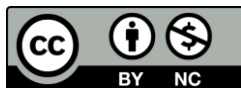
ارجاع به این مقاله: مولایی ح، مجدی زاده ز. (۱۴۰۲). «تجربه دانشجویان بین‌المللی در ایران؛ تبیین نقش قرابت فرهنگی بر انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران». *مطالعات کشورها*. ۱(۲): ۱۸۵-۲۱۳. doi:

<https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.354326.1005>

وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰

ناشر: دانشگاه تهران



* نویسنده مسئول، رایانامه: hmolaei@ut.ac.ir  <https://orcid.org/0000-0002-2692-950X>

۱. مقدمه

در تعاریف مطرح شده در متون مربوط به دانشجویان بین‌المللی، ذکر شده است که آن‌ها دانشجویانی از کشورها و ملیت‌های مختلف هستند که ممکن است ادیان، مذاهب و نظام‌های سیاسی متفاوتی داشته باشند؛ اما همگی در یک وضعیت به سر می‌برند که به ما اجازه می‌دهد تا آن‌ها را در یک گروه دسته‌بندی کنیم. این دانشجویها، باید با شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید خود، تطابق پیدا کنند. این فرایند تطابق، موجب می‌شود تا دانشجویان بین‌المللی نسبت به دانشجویان بومی، تحت فشارهای روحی و روانی بیشتری قرار گیرند. این تنش و فشار روانی و بحث تطابق فرهنگی، تنها به دانشجویان بین‌المللی محدود نمی‌شود و کمابیش تمام بیگانه‌ها با آن مواجه خواهند شد. مفهوم بیگانه^۱ شامل همه افرادی است که در یک محیط فرهنگی و خرده‌فرهنگی جدید ساکن شده‌اند. این مفهوم اصطلاحات خاص‌تری همچون پناهندگان، مهاجران و افراد مقیم موقت را نیز دربرمی‌گیرد (Gudykunst & Kim, 2003). با وجود این، برخی افراد معتقدند که تنش و فشار روانی‌ای که دانشجویان بین‌المللی تجربه می‌کنند، حتی بیشتر از گروه‌های بین‌المللی همچون مهاجران و پناهندگان و آوارگان است (Misra & Castillo, 2004). این تنش اضافی ناشی از این واقعیت است که دانشجویان بین‌المللی، علاوه بر مشکلات مربوط به مهاجرت تحصیلی و محیط جدید، با مشکلات مرتبط با درس‌های دانشگاهی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند. ازجمله این مشکلات عبارت‌اند از سازگاری با محیط و نظام آموزشی جدید، الزام برای یادگیری سریع، و توجه به این نکته که اقامت آن‌ها در کشور بیگانه موقتی است (Wilson, 2011). در صورتی که دانشجویان بین‌المللی نتوانند از نظر فرهنگی و اجتماعی به میزان مطلوبی با کشور میزبان خود انطباق یابند، ممکن است دچار افت تحصیلی شوند و حتی دانشگاه و کشور محل تحصیل خود را ترک کنند. این در حالی است که بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها و جذب بیشتر دانشجویان بین‌المللی مزایای متعددی برای کشور میزبان به همراه دارد، ازجمله کسب درآمد، افزایش اعتبار دانشگاه و افزایش ارتباطات بین فرهنگی. بنابراین، ضروری است که جامعه و دانشگاه کشور میزبان در راستای شناسایی عوامل مرتبط با انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی خود و افزایش آن اقداماتی انجام دهند. بی‌شک یکی از این اقدام‌های پیش‌نیاز در این زمینه انجام دادن پژوهش‌های

1. stranger

مرتبط است. از جمله عوامل متعدد و مرتبط با فرایند انطباق فرهنگی - اجتماعی دانشجویان بین‌المللی می‌توان به قرابت فرهنگی دانشجویان با کشور میزبان اشاره کرد.

مفهوم «قرابت فرهنگی»^۱ به تمایل بیشتر افراد نسبت به اعضای گروه خود و افراد دارای فرهنگ مشابه، در برابر اعضای گروه‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر اشاره دارد (Bostic, 2003). به‌گفته هولدن و برگس، قرابت فرهنگی عاملی مهم و تعیین‌کننده در توانایی گروه‌ها برای برآوردن نیازها و الزام‌های طرف مقابل است (Holden & Burgess, 1994: 33). فیلیپس، دول و لو قرابت فرهنگی را از نظر مفهومی نزدیک به مفهوم هم‌دلی می‌دانند که به درک یا توانایی دیدن موقعیت از دیدگاه دیگری اشاره دارد. میزان دوست‌داشتن فرهنگ دیگری در ایجاد نگرش مثبت یا منفی نسبت به اعضای آن گروه فرهنگی تأثیرگذار است. افراد می‌توانند فرهنگ‌های دیگر را با فیلتر معیارهای مرجع فرهنگی از پیش تعیین‌شده تفسیر و پیش‌داوری کنند (Phillips et al., 1994: 104). مردم همچنین، عموماً فرهنگ‌ها و چیزهایی را ترجیح می‌دهند که با آن آشنايند و احساس نزدیکی بیشتری دارند (Swift, 1999). به‌عقیده سوئیفت، قرابت فرهنگی، همچنین قابلیت آن را دارد که عامل تعیین‌کننده کلیدی در شکل‌گیری یا کاهش فاصله روانی باشد (Ibid). فاصله روانی نتیجه تعدادی از عوامل مرتبط با یکدیگر است که ادراک^۲ عامل اصلی آن است. ادراک تفسیری از داده‌هاست؛ بنابراین، از نظر تجارب شخصی و نظام‌های ارزشی فرد، بسیار ذهنی است. از آنجاکه نظام‌های ارزشی بیشتر محصول پیشینه فرهنگی فرد است، می‌توان استدلال کرد که فرهنگ بر ادراک تأثیر دارد. اگر ادراک متأثر از فرهنگ باشد و ادراک برای تفسیر عواملی به‌کار رود که فاصله روانی را تشکیل می‌دهند، فرهنگ بر فاصله روانی تأثیر غیرمستقیمی دارد.

به‌گفته هولدن و برگس، فاصله روانی در نتیجه فاصله فرهنگی، بی‌اعتمادی و فاصله اجتماعی شکل می‌گیرد و در نقطه مقابل، نزدیکی روانی از طریق قرابت فرهنگی، اعتماد و تجربه حاصل می‌شود (Holden & Burgess, 1994: 36). از میان عوامل یادشده، سوئیفت قرابت فرهنگی را عامل اصلی کاهش فاصله روانی میان افراد برشمرده است و معتقد است که اعتماد و تجربه تنها از طریق تعامل به‌دست می‌آید یا از دست می‌رود (Swift, 1999)؛ این در حالی است که قرابت

1. cultural affinity
2. perception

فرهنگی پیش از شروع تعامل تأثیرگذار است. قرابت فرهنگی حتی ممکن است در وهله اول، عامل اصلی فعال‌ساز تعامل باشد. اعتماد و تجربه پیامدهای فرایند تعامل‌اند؛ اما قرابت فرهنگی ممکن است پیامد و یا تعیین‌کننده این فرایند باشد. بنابراین، قرابت فرهنگی چه قبل از شروع هرگونه تعامل و چه در طول توسعه تعامل‌ها، بر آن تأثیر می‌گذارد. بر این اساس توجه به قرابت فرهنگی در جذب دانشجویان بین‌المللی اهمیت به‌سزایی دارد.

با توجه به آنچه گفتیم، در مقاله حاضر در پی بررسی میزان انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی در ایران و عوامل مرتبط با آن، به‌ویژه قرابت فرهنگی دانشجویان بین‌المللی با جامعه ایران، بوده‌ایم. با توجه به محیط رقابتی زیاد در جذب دانشجویان خارجی در میان کشورهای مختلف، در این پژوهش، با شناخت عوامل مرتبط در جذب دانشجویان خارجی، همچنین شناخت نقاط ضعف در جذب و ادامه تحصیل این دانشجویان، بانک اطلاعاتی کاربردی‌ای در این زمینه تدوین شد که نتایج آن در اختیار همه دانشگاه‌ها خواهد بود، به‌طوری‌که دانشگاه‌های مختلف از تجربه یکدیگر در این زمینه بهره‌مند شوند. بر این اساس، نخست در پی پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که میزان انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی با جامعه ایران چقدر است؟ در ادامه، به تحلیل نقش مؤلفه‌های مرتبط با انطباق فرهنگی-اجتماعی پرداخته‌ایم. با توجه به اینکه امکان مطالعه روابط علی و معلولی بدون ایجاد شرایط آزمایشگاهی فراهم نیست، در مطالعه حاضر در پی یافتن روابط معنادار بوده‌ایم. سؤال‌های فرعی این پژوهش به قرار زیر است:

۱. آیا میان قرابت فرهنگی / فاصله فرهنگی دانشجویان بین‌المللی با انطباق فرهنگی-اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟
۲. آیا میان توانایی‌های زبانی دانشجویان بین‌المللی با انطباق بین‌فرهنگی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟
۳. آیا میان ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانشجویان بین‌المللی و انطباق فرهنگی-اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد؟
۴. مهم‌ترین موانع انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی در ایران چیست؟

۲. پیشینه نظری

۱.۲. فرهنگ پذیری

فرهنگ‌پذیری^۱ جریانی است که فرد را عمیقاً و از جهات فراوان با فرهنگ جامعه همانند می‌کند. هر کودک از لحظه‌ای که چشم به جهان می‌گشاید، بی‌اختیار در جریان فرهنگ‌پذیری قرار می‌گیرد و هر شخص بالغی که از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر کوچ می‌کند و با فرهنگ جدیدی مواجه می‌شود، مجدداً خود را ناگزیر از فرهنگ‌پذیری می‌یابد (Rudmin, 2003).

مفهوم فرهنگ‌پذیری از سال ۱۹۱۸ به‌طور علمی مطالعه شد و نظریه‌های متعددی پیرامون آن توسعه یافته‌اند؛ اما، در تحقیقات معاصر اساساً بر راهبردهای مختلف فرهنگ‌پذیری، نحوه تأثیرگذاری تغییرات بر افراد در فرایند فرهنگ‌پذیری، و مداخلاتی برای آسان‌تر کردن این فرایند متمرکز شده‌اند (Ibid). هاجارا برخی راهبردهای فرهنگ‌پذیری را چنین برشمرده است: ادغام و یکپارچه‌سازی^۲، جداسازی^۳، و حاشیه‌ای‌سازی^۴ (Hajara, 2014).

نتایج حاصل از تحقیقات نشان می‌دهد درحالی‌که مدل حاشیه‌ای‌سازی راهبرد فرهنگ‌سازی ناهنجار است که به کمترین مطلوبیت منجر خواهد شد (Berry et al., 2006; Kunst & Sam, 2013)، مدل مبتنی بر ادغام و یکپارچه‌سازی به مطلوب‌ترین پیامدهای روان‌شناختی منجر می‌شود (David et al., 2009).

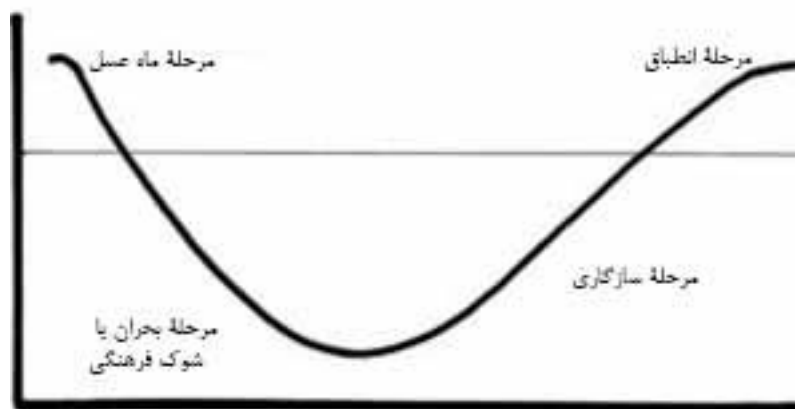
گوئرا (Guerra, 2017)، با الهام از وینکلمن (Winkelman, 1994)، مراحل سفر یکپارچه‌سازی را در یک منحنی و چهار مرحله زیر توصیف کرده است (شکل ۱) که در ادامه بررسی خواهیم کرد.

الف) مرحله ماه‌عسل^۵ و گردشگری^۶

مرحله ماه‌عسل و گردشگری مشابه تجربه معمول افرادی است که برای ماه‌عسل، تعطیلات یا سفرهای کاری کوتاه وارد فرهنگ‌های دیگر می‌شوند. این مرحله، با علاقه، هیجان، سرخوشی، بی‌خوابی، انتظارات مثبت و ایدئال‌سازی^۷ در فرهنگ

1. acculturation
2. integration
3. separation
4. marginalization
5. honeymoon
6. tourist
7. idealizations

جدید مشخصه‌یابی می‌شود. تفاوت‌ها هیجان‌انگیز و جالب‌اند. اگرچه ممکن است اضطراب وجود داشته باشد، در این مرحله، افراد به تفسیر مثبت تمایل دارند. این مرحله کاملاً در نقطه مقابل مرحله دوم یا همان شوک فرهنگی قرار دارد. این واقعیت ممکن است به این دلیل باشد که در این مرحله رفت‌وآمد فرد محدود به مؤسسات (مثل، هتل‌ها، استراحتگاه‌ها، کسب‌وکار و فرودگاه‌ها) است و هنوز مواجهه‌ای اساسی با فرهنگ محلی^۱ را تجربه نکرده‌اند (Winkelman 1994: 2).



شکل ۱. مراحل سفر یکپارچه‌سازی (Guerra, 2017)

ب) مرحله بحران یا شوک فرهنگی^۲

گذار به فرهنگ جدید ممکن است تکان‌دهنده باشد و اغلب درگیری‌های داخلی^۳ ایجاد می‌کند؛ چراکه فرد با موقعیت‌هایی مواجه می‌شود که هنجارهای فرهنگی^۴ و جهان‌بینی^۵ او را به چالش می‌کشند (Kim, 2005).

مرحله بحران ممکن است برای برخی افراد بلافاصله پس از ورود به فرهنگ میزبان و حتی پیش از تجربه مرحله ماه‌عسل ظاهر شود؛ به‌طور مثال، هنگامی که فرد به فرودگاه کشور میزبان وارد می‌شود و گرمای شدیدی را تجربه می‌کند که پیش‌تر تجربه آن را نداشته است. معمولاً این بحران در عرض چند هفته تا یک ماه ظاهر می‌شود. این مرحله ممکن است با بحرانی تمام‌عیار یا مجموعه‌ای از مشکلات فزاینده، تجربه‌های منفی و واکنش‌ها شروع شود. اگرچه واکنش‌های

1. local culture
2. culture-shock
3. internal conflicts
4. cultural norms
5. worldview

افراد مختلف، متفاوت است، ویژگی‌های معمول و مشترکی برای شوک فرهنگی وجود دارد که وینکلمن آن را چنین توصیف کرده است: «همه چیز اشتباه به نظر می‌رسد، مسائل جزئی به مشکلات بزرگ تبدیل می‌شوند و تفاوت‌های فرهنگی^۱ آزاردهنده می‌شوند. معمولاً درگیری و مشغولیت بیش از اندازه به نوع غذاها، آب آشامیدنی، محیط استراحت و خواب و محیط اطراف شروع می‌شود. در این مرحله، فرد ناامیدی، بی‌حوصلگی و تنش‌های فزاینده‌ای را تجربه می‌کند. زندگی برایش معنا و مفهوم قبل را ندارد و ممکن است احساس درماندگی و سردرگمی به او دست دهد و احساس کند دیگران دوستش ندارند و یا با او مانند کودک رفتار می‌شود. این احساس نداشتن کنترل بر زندگی، حتی ممکن است به افسردگی، انزوا، عصبانیت یا خشونت‌طلبی بینجامد. احساسات و خستگی بیش از حد، ممکن است با بیماری جسمی یا روان‌تنی^۲ همراه باشد. حساس شدن، مشکوک شدن، ترس از سرقت یا تجاوز نیز از واکنش‌های معمول در این مرحله است. دلایل بی‌شماری برای دوست‌نداشتن و انتقاد از فرهنگ جامعه میزبان پیدا می‌شود. برنامه‌ریزی برای یادگیری زبان ممکن است به تعویق بیفتد، مشکلات تشدید شود و افسردگی جدی شود. فرد ممکن است اساساً بخواهد به خانه خویش بازگردد!» (Winkelman 1994: 2).

به عقیده فورنهام و بوشنر، زمانی که مرحله ماه‌عسل جای خود را به بحران می‌دهد، میزان تجربه شوک فرهنگی به ویژگی‌های فردی، آمادگی^۳ و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد (Furnham & Bochner, 1982).

پ) مرحله سازگاری^۴، جهت‌گیری مجدد^۵ و بازیابی تدریجی^۶

مرحله سازگاری بین فرهنگی، به یادگیری چگونگی سازگاری مؤثر با محیط فرهنگی جدید مربوط می‌شود و سازگاری‌های متنوعی در طول تک‌مرحله‌های سازگاری چرخه‌ای و منحصربه‌فرد، به دست می‌آید (Winkelman 1994: 2). سازگاری فرایند تغییر در طول زمان است و اصطلاح سازگاری بین فرهنگی به تلاش افرادی اشاره دارد که هنگام انتقال به محیط اجتماعی فرهنگی ناآشنا

1. cultural differences
2. psychosomatic
3. preparation
4. adjustment
5. reorientation
6. gradual recovery

می‌کوشند تا رابطه‌ای نسبتاً ثابت، دوسویه و کارکردی را با محیط جدید ایجاد و آن را حفظ کنند.

اگر کسی بخواهد در جامعه میزبان به‌طور مؤثر عمل کند، باید با فرهنگ جدید سازگار و سپس منطبق شود. فرد باید مهارت‌های حل مسئله را برای برخورد با فرهنگ میزبان به کار گیرد و با نگرش مثبت شروع به پذیرش آن نماید. در این صورت، فرهنگ میزبان شروع به معنادار شدن می‌کند و واکنش‌های منفی به آن کاهش می‌یابد؛ زیرا فرد تشخیص می‌دهد که مشکلات به دلیل ناتوانی در درک، پذیرش و انطباق با آن فرهنگ بوده است. در این مرحله، قدردانی از فرهنگ جدید شروع به ظهور و بروز می‌کند و یادگیری در مورد آن برای فرد به چالشی سرگرم‌کننده تبدیل می‌شود. در طول مرحله سازگاری، مشکلات پایان نمی‌یابند، بلکه فرد نگرش مثبتی را نسبت به رفع چالش‌ها و مسائل و برای عملکرد در فرهنگ جدید ایجاد می‌کند. سازگاری فرایندی تدریجی است و بحران‌های مکرر و سازگاری‌های مجدد را شامل می‌شود (Ibid).

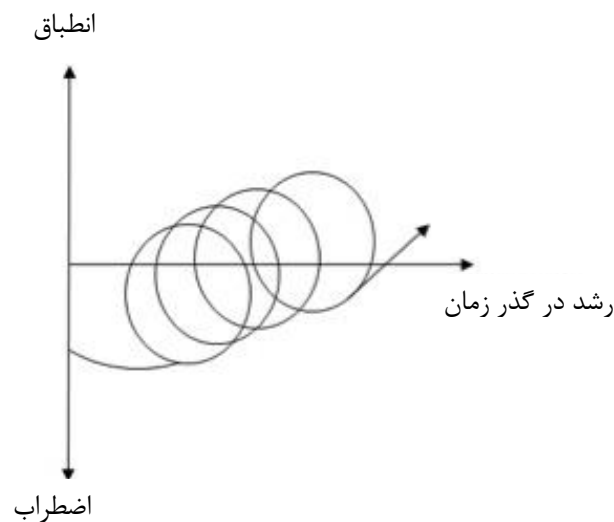
حل شوک فرهنگی در یادگیری چگونگی سازگاری قابل قبول با فرهنگ جدید نهفته است. با این حال، عبور از مرحله بحران به مرحله سازگاری همواره امکان‌پذیر نیست. به‌طور مثال، در شرایط محدودیت کامل^۱ از جانب محیط میزبان، امکان وقوع سازگاری وجود ندارد (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۲۷۵-۲۷۶). بسیاری از افرادی که به کشورهای خارجی می‌روند برای دستیابی به سازگاری و انطباق مؤثر، وفق پیدا نمی‌کنند و تصمیم می‌گیرند در مرحله بحران به خانه بازگردند. دیگران ممکن است از شکل‌های مختلف انزوا^۲ استفاده کنند؛ به‌طور مثال، زندگی در منطقه بسته قومی و نژادی و اجتناب از یادگیری کامل و قابل توجه مسائل مرتبط با فرهنگ جدید را برگزینند (Ibid).

ت) مرحله انطباق^۳، عزیمت^۴، یا فرهنگ‌پذیری^۵

مرحله تطابق بین فرهنگی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد به انطباق‌هایی پایدار و موفقیت در حل مشکلات و مدیریت فرهنگ جدید دسترسی پیدا می‌کند (Ibid). رسیدن به مرحله انطباق، مستلزم پاسخی سازنده به شوک فرهنگی با

-
1. complete insularity
 2. isolation
 3. adaptation
 4. resolution
 5. acculturation

استفاده از ابزارهای مؤثر سازگاری است. مراحل بیان شده، هم متوالی^۱ و هم چرخه‌ای^۲ است. حرکت از بحران به سمت سازگاری و انطباق در مواجهه با بحران‌های جدید ممکن است تکرار شود که به سازگاری‌های بیشتری نیاز دارد (Ibid). رسیدن به تطابق یا غلبه بر شوک فرهنگی مسیری خطی نیست که در آن، تنها یک بار مراحل طی شود و سپس به فراموشی سپرده شود. به‌طور مثال، فرد با ناتوانی کامل در درک مطالبی که در سوپرمارکت می‌خواند، شروع می‌کند و زمانی که موفق می‌شود با درجه خاصی از تسلط بر آن غلبه کند، با چالش دیگری روبه‌رو می‌شود: توانایی درک افراد در خیابان! بنابراین، فرد تغییر هویت شخصی تدریجی را تجربه می‌کند که به‌طور فزاینده به شکل‌گیری شخصیت بین‌فرهنگی^۳ می‌انجامد (Guerra, 2017) (شکل ۲).



شکل ۲. دیالکتیک و پویایی فرایند تطابق بین‌فرهنگی (Guerra, 2017)

در همین راستا، کیم نظریه ارتباطی یکپارچه از انطباق بین‌فرهنگی را توسعه داد و انطباق را فرایندی دیالکتیکی از پویایی «تنش-انطباق-رشد» بیان داشت که به تدریج به تناسب عملکردی و سلامت روانی بیشتر، با توجه به محیط میزبان منجر می‌شود (Kim, 2005).

1. sequential
2. cyclical
3. intercultural personhood

در نهایت، اگرچه ادغام و یکپارچگی^۱ کامل ممکن است بسیار دشوار باشد، در پایان سفر یکپارچه‌سازی، فرهنگ‌پذیری انجام شده است. انطباق مؤثر لزوماً فرد را تغییر می‌دهد و به بروز هویت دوفرهنگی^۲ و ادغام جنبه‌های فرهنگی جدید در خودپنداره^۳ قبلی فرد منجر می‌شود. تنها زمانی که فرد به‌طور مؤثر دوفرهنگی می‌شود، مرحله انطباق مرحله‌ای دائمی خواهد بود (Winkelman 1994: 2).

۲.۲. مؤلفه‌های مؤثر بر تطابق بین فرهنگی

پژوهشگران مختلف سعی کرده‌اند مؤلفه‌های اثرگذار بر تطابق فرهنگی - اجتماعی را شناسایی کنند؛ عواملی که در صورت وجود، تسهیل‌کننده تطابق است و نبود آن، مانعی برای تطابق به‌شمار خواهد رفت. برخی از این عوامل و مورد تأکید در این مقاله در ادامه ذکر شده‌اند.

الف) توانایی‌های زبانی

در پژوهش‌های پیشین نشان داده شده است که فهم زبان کشور میزبان، در فرایند تطابق اهمیت بسیاری دارد. در کشورهایی که زبان دانشگاهی مورد قبول، انگلیسی است، دانشجویان بین‌المللی که زبان مادری آن‌ها زبان انگلیسی نباشد، بسیاری از اوقات با نوشتن و خواندن و بیان شفاهی به زبان انگلیسی مشکل دارند. این مشکلات ممکن است موجب شود تا خروجی کار پژوهشی کیفیت کمتری داشته باشد. معمولاً ریشه این مشکلات، ناشی از یادگیری زبان انگلیسی در کلاس‌هایی است که آموزگار در محور آن قرار دارد (Sawir, 2005). حتی اگر فرصت‌های زیادی برای ارتباط اجتماعی وجود داشته باشد، محدودیت‌های زبانی به‌تنهایی محدود شدن ارتباط را به‌دنبال دارد و از پیشرفت بیشتر در راستای فهم بین فرهنگی^۴ مانع پدید می‌آورد (Yu, 2013; 2013). در پژوهش‌های مختلفی نشان داده شده است که مهارت‌های زبانی و قابلیت‌های ارتباطی، با تطابق بین فرهنگی ارتباط دارند؛ بدین ترتیب که هرچه دانشجویان بین‌المللی درک بهتری از و تسلط بیشتری به زبان کشور میزبان داشته باشند، فرایند تطابق بین فرهنگی آسان‌تر خواهد بود (Ward & Kennedy, 1999; Stephan & Stephan, 1985; Hammer et al., 1998). نتایج

1. assimilation
2. bicultural
3. self-concept
4. intercultural understanding

پژوهش‌ها نشان داده است که مهارت زبانی دانشجویان بین‌المللی، با تطابق کلی آن‌ها با محیط میزبان، همچنین با پیشرفت و موفقیت در تحصیل آن‌ها رابطه دارد؛ بدین ترتیب که هرچه توانمندی استفاده از زبان کشور میزبان افزایش یابد، توانایی‌های علمی و دانشگاهی نیز افزایش می‌یابند؛ درعین حال، فرایند تطابق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان تسهیل خواهد شد (Barratt & Huba, 1994; Lewthwaite, 1996). نتایج پژوهش مشابهی درباره دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بین‌المللی در دانشگاهی در آمریکا، نشان می‌دهد که نقصان در زبان انگلیسی دانشجویان، موجب پریشانی و اضطراب و ایجاد مشکل در فرهنگ‌پذیری این افراد شده است. پریشانی و اضطراب در فرهنگ‌پذیری نوعی اضطراب است که افزایش آن فرایند تطابق بین فرهنگی را با دشواری روبه‌رو می‌کند (Ward & Kennedy, 1999).

ب) قرابت فرهنگی / فاصله فرهنگی

منظور از فاصله فرهنگی میزان تفاوت میان فرهنگ میزبان و فرهنگ افراد مهاجر (Redmond, 2000) و منظور از قرابت فرهنگی، نزدیکی و تشابه میان دو فرهنگ است. مروری بر تحقیقات پیشین، نشان می‌دهد که فاصله بین فرهنگ فرد با فرهنگ میزبان، با تطابق بین فرهنگی رابطه منفی دارد: هرچه فاصله فرهنگی کمتر و قرابت فرهنگی بیشتر باشد، تطابق بین فرهنگی تسهیل می‌شود. به‌طور مثال، وارد و سیرل در بررسی شرکت‌کنندگانی از کشورهای مالزی و سنگاپور که در نیوزیلند تحصیل می‌کردند، نشان دادند که هرچه میزان فاصله فرهنگی بیشتر باشد، افراد ناراحتی روانی و تنش شدیدتری را تجربه می‌کنند و برای تطابق بین فرهنگی، با مشکلات بیشتری مواجه می‌شوند (Ward & Searle, 1991). نتایج سایر پژوهش‌ها این موضوع را تأیید می‌کند (Ward et al., 1998). پژوهش سلتیز، کریست، هاول و کوک بیانگر آن است که دانشجویان اروپایی، در مقایسه با دانشجویان آسیایی، در تعامل با دانشجویان آمریکایی کشور میزبان، موفق‌تر عمل می‌کنند که ناشی از قرابت فرهنگی بیشتر اروپاییان با فرهنگ آمریکاست (Selltiz et al., 1963). در پژوهشی مشابه، آبه، تالبوت و جیلهود به این نتیجه رسیده‌اند که به‌طور خاص، دانشجویانی که از کشورهای آسیایی برای تحصیل به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، در زمینه سازگاری و تطابق فرهنگی با سبک زندگی در دانشگاه‌های آمریکا با مشکلات بیشتری دست‌به‌گریبان‌اند (Abe et al., 1998).

فاصله فرهنگی و قرابت فرهنگی، خود عمده‌تاً مبتنی بر مؤلفه‌های زبان، دین و مذهب، اقلیم و نظام‌های ارتباطی و فرهنگی تعریف می‌شود. فورهام و بوشنر دانشجویان بین‌المللی در کشور انگلیس را در مقایسه با فرهنگ مردم بریتانیا، به سه دسته اصلی نزدیک، متوسط و دور تقسیم کردند. این سه دسته، بر اساس مذهب، زبان و اقلیم تقسیم‌بندی شده است. نتایج این مطالعه نشان داد میان فاصله فرهنگی و مشکلات انطباق ارتباط وجود دارد؛ بدین ترتیب که شرکت‌کنندگانی که در گروه‌های دور قرار داشتند، نسبت به شرکت‌کنندگانی که در گروه‌های نزدیک فرهنگی قرار گرفته بودند، مشکلات بیشتری را در زمینه انطباق بین فرهنگی تجربه کرده بودند (Furnham & Bochner, 1982).

همچنین، زمانی که نظام‌های ارتباطی افراد با نظام‌های ارتباطی اتباع کشور میزبان قرابت و هم‌پوشانی داشته باشد، افراد به‌خوبی نحوه انجام‌دادن امور در جامعه میزبان و شیوه اندیشیدن، احساس کردن و عمل کردن در این جامعه جدید را می‌فهمند و این امر تطابق بین فرهنگی آنان را تسهیل می‌کند (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۲۸۶). از جمله این عوامل می‌توان به قرابت در جمع‌گرایی یا فردگرایی و قرابت در صراحت ارتباطی با غیر صریح بودن ارتباطی اشاره کرد. همسو با این نتایج، تریندیس نشان داد که افزایش فرهنگ جمع‌گرایی در اتباع میزبان، با تسهیل انطباق بین فرهنگی افراد مهاجرت کرده از جوامع جمع‌گرا همراه بوده است (Triandis, 1995).

(پ) شناخت و دانش نسبت به جامعه میزبان

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افزایش دانش نسبت به اتباع میزبان، اضطراب کمتر و انطباق بین فرهنگی بهتری را به دنبال خواهد داشت (Ward & Searle, 1991; Hammer et al., 1998). افزایش توانایی در دسته‌بندی اتباع کشور میزبان، به شیوه‌ای که خود را دسته‌بندی می‌کنند و درک تنوع در میان اتباع میزبان نیز در کاهش اضطراب و تسهیل انطباق بین فرهنگی مؤثر است. در پژوهش‌ها نشان داده شده است زمانی که افراد، اتباع کشور میزبان را دسته‌بندی می‌کنند، انتظاراتی را از رفتار آن‌ها شکل می‌دهند که هرچه این انتظارات در مورد رفتار اتباع میزبان مثبت‌تر باشد، اضطراب آنان کمتر و به دنبال آن، انطباق بین فرهنگی تسهیل خواهد شد (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۳۷۴). مطالعه وارد و سیرل بر روی دانشجویان بین‌المللی در کشور نیوزیلند، نشان می‌دهد که داشتن درک بهتر و آگاهی کامل از فرهنگ کشور میزبان، موجب می‌شود مشکلات و تبعات ناشی از فرایند تطابق

بین فرهنگی با کشور میزبان کمتر شود (Ward & Searle, 1991). کیم نیز نشان داده است که کسب آگاهی شناختی درباره فرهنگ میزبان، تاریخ، نهادها، جهان بینی ها، باورها، هنجارها و قواعد رفتار بین فردی، در تطابق بین فرهنگی مؤثر است (Kim, 2005).

ت) پذیرش یا عدم پذیرش از سوی جامعه میزبان

از سوی دیگر، اگر نحوه ارتباط با جامعه میزبان به گونه ای باشد که فرد احساس کند جامعه میزبان او را نپذیرفته است، تطابق بین فرهنگی با دشواری مواجه خواهد شد. به طور مثال، بری نشان داد رفتار تبعیض آمیز از سوی اتباع میزبان، انطباق بین فرهنگی افراد بیگانه را با دشواری روبه رو می سازد (Berry, 2005). همچنین، در صورتی که شرایط موقعیتی به گونه ای باشد که اتباع میزبان نسبت به بیگانه ها قدرت بسیار بالاتری داشته باشند، فرد بیگانه با اضطراب بیشتری مواجه می شود و انطباق فرهنگی اجتماعی دشوارتری را تجربه می کند (گادیکانست، ۱۳۹۶: ۳۷۶).

ث) ویژگی های فردی و روان شناختی

ویژگی های شخصیتی و روان شناختی همچون عزت نفس، تعصب یا انعطاف پذیری و گشودگی، از دیگر عوامل مؤثر بر انطباق بین فرهنگی است. به طور مثال، برخی پژوهشگران رابطه عزت نفس افراد و تطابق بین فرهنگی را سنجیده و نشان داده اند که هرچه عزت نفس فرد بیشتر باشد، بهتر می تواند اضطراب خود را در تعامل با اتباع کشور میزبان، کنترل و مدیریت کند و در تطابق بین فرهنگی موفق تر است (Cozzarelli & Karafa, 1998). از دیگر ویژگی های شخصیتی و روان شناختی مؤثر بر تطابق بین فرهنگی افراد، نحوه واکنش آنها نسبت به افراد ناشناس و غریبه است. بررسی پژوهش های پیشین در این خصوص نشان می دهد که داشتن نگرش های سخت گیرانه و توأم با تعصب نسبت به اتباع کشور میزبان، با انطباق بین فرهنگی رابطه منفی دارد (Basu & Ames, 1970). در تحقیقات دیگر نیز بر تأثیر انواع مهارت های اجتماعی بر توانایی در انطباق بین فرهنگی تأکید شده است (Ward & Searle, 1991; Ward & Kennedy, 1999).

جمع بندی مطالعات پیشین نشان می دهد که داشتن توانایی های زبانی و تسلط بر زبان جامعه میزبان، قرابت فرهنگی در ابعاد مختلف همچون زبان، مذهب، اقلیم و نظام ها و شیوه های ارتباطی، شناخت و دانش بیشتر نسبت به

فرهنگ و اتباع جامعه میزبان، پذیرش از سوی جامعه میزبان، ویژگی‌های فردی همچون انعطاف‌پذیری و نداشتن تعصب، از عوامل مهم و تسهیل‌کننده انطباق بین فرهنگی محسوب می‌شوند.

۳. روش پژوهش

هدف کلی این مقاله توصیف میزان تطابق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان خارجی با جامعه ایران است. همچنین، مطالعه رابطه معنادار میان «توانایی زبانی»، «قرابت فرهنگی» و «ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی» با انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی از جمله مهم‌ترین اهداف در مقاله حاضر است. شناخت موانع انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی همچون کمبود دانش و آگاهی نسبت به جامعه و فرهنگ ایران یا احساس عدم‌تعلق و پذیرش از سوی جامعه ایران از جمله اهداف دیگر این مقاله است. روش اصلی پژوهش پیمایشی است. بدین منظور پرسشنامه‌ای شامل چهار بخش طراحی شد. در آغاز پرسشنامه، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان سنجش شد. در قسمت دوم پرسشنامه، سنجش تطابق فرهنگی-اجتماعی به‌منظور سنجش میزان تطابق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان خارجی با جامعه ایران، همچنین با محیط دانشگاه‌های ایران طراحی شده است. قابل ذکر است این قسمت شامل ۳۵ گویه است که ۲۱ مورد آن مربوط به سنجش تطابق اجتماعی فرهنگی ویلسون (Wilson, 2013) است. چهارده گویه آن نیز بر اساس شرایط خاص جامعه ایران طراحی شده است. در قسمت سوم پرسشنامه نیز در ارتباط با نقش «توانایی زبانی»، «قرابت فرهنگی» و «ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی» سه مؤلفه مرتبط با انطباق بین فرهنگی دانشجویان خارجی در ایران طراحی شد. در قسمت چهارم پرسشنامه، موانع انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی در ایران بررسی شد.

به‌منظور سنجش پایایی گویه‌های پرسشنامه، پیش‌آزمون در بین دانشجویان بین‌المللی دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران توزیع شد. تعداد دانشجویان بین‌المللی در این دانشکده قابل توجه است. در مجموع، ۱۸ نفر به پرسشنامه پاسخ دادند. آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای این تعداد ۰/۹۵ بود که نشان می‌دهد گویه‌های پرسشنامه پایایی زیادی دارد.

حجم نمونه برای تعداد ۱۱۰۰ دانشجوی بین‌المللی دانشگاه تهران، طبق فرمول کوکران، ۲۸۸ نفر و طبق جدول مورگان ۲۸۵ نفر محاسبه شد. با توجه به

آنکه دانشجویان بین‌المللی برای تحصیل در ایران لزوماً به یکی از دو زبان فارسی و انگلیسی تسلط خواهند داشت، پرسشنامه‌ها به دو زبان فارسی و انگلیسی تهیه شد. در ادامه، پرسشنامه‌ها به‌طور حضوری، همچنین از طریق ارسال لینک به رایانامه دانشجویان، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. در مجموع، ۲۹۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد که پس از حذف ۶ مورد نامعتبر، ۲۸۴ پرسشنامه تجزیه و تحلیل شد.

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان به ترتیب بر اساس سن، جنس و تحصیلات نشان داد که بیشترین پاسخگویان به ترتیب در رده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۳۵ سال و ۲۱ تا ۲۵ سال و کمترین گروه در رده سنی ۴۱ تا ۴۵ سال قرار داشتند. قابل ذکر است دوسوم پاسخگویان، یعنی ۶۵ درصد آن‌ها، را مرد و یک‌سوم آن‌ها، یعنی ۳۳ درصد، را زن تشکیل دادند (۲ درصد به سؤال مرتبط با جنسیت پاسخ ندادند). وضعیت تحصیلی دانشجویان نیز نشان می‌دهد که ۱۲/۷ درصد دانشجویان در دوره کارشناسی، ۵۴ درصد در مقطع کارشناسی‌ارشد و ۳۰/۶ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند (۲/۷ درصد به سؤال مرتبط با مقطع تحصیلی پاسخ ندادند).

۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، به ترتیب و بر اساس سؤال‌های اصلی و فرعی مقاله به قرار زیر است. بر این اساس، نخست میزان انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی با جامعه ایران بررسی شده است. سپس، رابطه معناداری میان قرابت فرهنگی، توانایی‌های زبانی و ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانشجویان بین‌المللی با انطباق بین‌فرهنگی آن‌ها بررسی شد. در نهایت، نتایج مربوط به مهم‌ترین موانع انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی در ایران به دست آمد.

۱.۴. بررسی میزان انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی با جامعه ایران در گام نخست، میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان به‌طور کلی و مؤلفه‌ای (اجتماعی-فرهنگی، دانشگاهی، محیطی و فردی) سنجیده شد. جدول ۱ شاخص‌های میزان تطابق (میانگین و انحراف استاندارد) و نتایج آزمون تی-تک‌نمونه‌ای را شامل می‌شود. از آنجاکه پارامتر جامعه در دسترس نبود، میانگین-های مشاهده‌شده با میانگین معیار (مورد انتظار) مقایسه شد. میانگین معیار نمره

تراکمی پاسخ‌های متوسط به همه مواد یک مقیاس است. در این پژوهش مقیاس کلی تطابق بین فرهنگی ۳۵ ماده داشت. با در نظر گرفتن نمره متوسط برای هر ماده (نمره ۳) میانگین مورد انتظار ۱۰۵ است. همچنین، میانگین‌های ۳۶ (۱۲) ماده، ۳۳ (۱۱) ماده، ۳۰ (۱۰) ماده و ۶ (۲) ماده به ترتیب برای مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی، دانشگاهی، محیطی و فردی در نظر گرفته شد.

جدول ۱. میانگین نمره کل و مؤلفه‌های تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی و نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای

متغیر	میانگین معیار	میانگین مشاهده شده	انحراف استاندارد	ارزش t	درجه آزادی
کل تطابق بین فرهنگی	۱۰۵	۱۲۲/۹۰	۲۱/۶۸	۱۳/۹۱	۲۸۳
اجتماعی-فرهنگی	۳۶	۴۱/۵۰	۷/۹۱	۱۱/۷۱	۲۸۳
دانشگاهی	۳۳	۳۹/۱۱	۷/۵۶	۱۳/۶۲	۲۸۳
محیطی	۳۰	۳۵/۰۸	۷/۸۱	۱۰/۹۵	۲۸۳
فردی	۶	۷/۲۰	۱/۷۴	۱۱/۶۴	۲۸۳

سطح معناداری: $P < ۰/۰۱$

بر پایه نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای، میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی به‌طور معنادار بیشتر از میانگین مورد انتظار بود (تفاوت میانگین‌ها = $t = ۱۳/۹۱$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $۱۷/۹۰$). همچنین، در گروه مورد مطالعه در هر یک از مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی (تفاوت میانگین‌ها = $t = ۱۱/۷۱$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $۵/۵۰$)، دانشگاهی (تفاوت میانگین‌ها = $t = ۱۳/۶۲$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $۶/۱۱$)، محیطی (تفاوت میانگین‌ها = $t = ۱۰/۹۵$ ، $P < ۰/۰۱$ ، $۵/۰۸$) و فردی (تفاوت میانگین‌ها = $t = ۱۱/۶۴$ ، $P < ۰/۰۱$) میزان تطابق بیش از میانگین مورد انتظار به‌دست آمد.

به دلیل تعداد ماده‌های نابرابر در مؤلفه‌های تطابق بین فرهنگی، امکان مقایسه نمرات خام وجود نداشت. به همین دلیل، با تقسیم نمره کل هر مؤلفه بر تعداد ماده‌ها، نمراتی با دامنه یکسان به‌دست آمد تا از این طریق امکان مقایسه تطابق در ابعاد مختلف فراهم شود. در جدول ۲، میانگین نمرات ابعاد مختلف تطابق فرهنگی در دانشجویان خارجی نشان داده شده است. همچنین، از آزمون فریدمن برای بررسی تفاوت رتبه میانگین‌ها استفاده شد.

جدول ۲. میانگین همسان شده مؤلفه‌های تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی و نتایج

آزمون فریدمن

متغیر	میانگین همسان شده	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	رتبه میانگین
فردی	۳/۶۰	۰/۸۷	۱	۵	۲/۷۹
دانشگاهی	۳/۵۶	۰/۶۹	۱	۵	۲/۵۷
محیطی	۳/۵۱	۰/۷۸	۱	۵	۲/۴۰
فرهنگی-اجتماعی	۳/۴۶	۰/۶۶	۱	۵	۲/۲۴

نتایج آزمون فریدمن

مجذور کای	درجه آزادی	معناداری
۲۹/۱۲	۳	$P < ۰/۰۱$

بر پایه جدول ۲، بیشترین میزان تطابق به ترتیب در ابعاد فردی (میانگین = ۳/۶۰ و رتبه میانگین = ۲/۷۹)، دانشگاهی (میانگین = ۳/۵۶ و رتبه میانگین = ۲/۵۷)، محیطی (میانگین = ۳/۵۱ و رتبه میانگین = ۲/۴۰) و فرهنگی-اجتماعی (میانگین = ۳/۴۶ و رتبه میانگین = ۲/۲۴) بوده است. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که رتبه میانگین‌های مشاهده شده به طور معناداری متفاوت است (درجه آزادی = ۳، $P < ۰/۰۱$ ، $\chi^2 = ۲۹/۱۲$).

۲.۴. بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با عوامل مرتبط در این بخش رابطه تطابق اجتماعی فرهنگی دانشجویان خارجی و مهم‌ترین عوامل مرتبط با آن از جمله سطح آشنایی با زبان فارسی و انگلیسی، قرابت فرهنگی و اسلامی بودن کشور مهمان، ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانشجویان بین‌المللی، همچنین موانع انطباق بین فرهنگی آنان با جامعه ایران بررسی می‌شود.

الف) بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با متغیر سطح آشنایی با زبان فارسی و انگلیسی

چنانکه در پیشینه توضیح دادیم، آشنایی با زبان کشور میزبان در میزان تطابق دانشجویان بین‌المللی تأثیر زیادی دارد. در این قسمت رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با متغیر سطح آشنایی با زبان فارسی و انگلیسی بررسی شد.

پیش از بررسی رابطه هم‌بستگی میان سطح زبان فارسی و انگلیسی دانشجویان خارجی در ایران، نخست جداول فراوانی مربوط به آن‌ها ارائه می‌گردد. در جدول ۳، میزان آشنایی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران با زبان فارسی نشان داده شده است.

جدول ۳. میزان آشنایی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران با زبان فارسی و انگلیسی

انگلیسی			فارسی			
درصد معتبر	درصد	فراوانی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۲/۲	۲/۱	۶	۴/۲	۴/۲	۱۲	بسیار کم
۱۴	۱۳/۷	۱۳۹	۸/۱	۸/۱	۲۳	کم
۴۵/۹	۴۵/۱	۱۲۸	۱۳/۴	۱۳/۴	۳۸	متوسط
۲۹/۷	۲۹/۲	۸۳	۳۰	۲۹/۹	۸۵	زیاد
۲/۸	۸/۱	۲۳	۴۳/۸	۴۳/۷	۱۲۴	خیلی زیاد
۱۰۰	۹۸/۲	۲۷۹	۱۰۰	۹۹/۲	۲۸۲	جمع
	۸/۱	۵		۰/۸	۲	بدون پاسخ
	۹۸/۲	۲۸۴		۱۰۰	۲۸۴	جمع کل

جدول ۳ نشان می‌دهد سطح آشنایی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران با زبان فارسی بسیار بیشتر از زبان انگلیسی است. به‌طور مثال، فراوانی دانشجویانی با سطح آشنایی زیاد و بسیار زیاد با زبان فارسی ۷۳/۶ درصد بوده است، در صورتی که رقم مشابه برای زبان انگلیسی ۳۷/۷ درصد بود. همچنین، فراوانی افرادی که سطح آشنایی خود را با زبان فارسی کم و بسیار کم اعلام کردند ۱۲/۳ درصد و برای زبان انگلیسی ۱۵/۸ درصد بود. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در مجموع، میزان آشنایی دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در دانشگاه تهران به زبان فارسی بیش از زبان انگلیسی است. به‌منظور بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی با تسلط بر زبان‌های فارسی و انگلیسی از ضریب هم‌بستگی به شیوه پیرسون استفاده شد. جدول ۴ نشان‌دهنده نتایج تحلیل هم‌بستگی بین تسلط بر زبان و تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی است.

جدول ۴. نتایج آزمون همبستگی تسلط بر فارسی و انگلیسی و میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی

متغیرها	۱	۲
تطابق بین فرهنگی		
تسلط بر انگلیسی	۰/۱۴۰*	
تسلط بر فارسی	۰/۳۷۰**	۰/۰۱۲

* $P < ۰/۰۵$, ** $P < ۰/۰۱$

تطابق بین فرهنگی با تسلط بر انگلیسی ($R=۰/۳۲۹$, $P<۰/۰۵$) و تسلط بر فارسی ($R=۰/۳۷۰$, $P<۰/۰۱$) رابطه مثبت و معناداری داشت. رابطه میزان تطابق بین فرهنگی با تسلط بر زبان فارسی بسیار قوی تر بود.

ب) بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با قرابت/ فاصله فرهنگی آن‌ها با جامعه ایران

به منظور بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی با قرابت/ فاصله فرهنگی اجتماعی از ضریب همبستگی به شیوه پیرسون استفاده شد. جدول ۵ نشان دهنده نتایج تحلیل همبستگی بین مؤلفه‌های فاصله اجتماعی فرهنگی و تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی است.

تطابق بین فرهنگی با شباهت مذهبی ($R=۰/۳۲۹$, $P<۰/۰۱$)، زبانی ($R=۰/۲۰۷$, $P<۰/۰۱$)، جمع‌گرایی/ فردگرایی ($R=۰/۳۱۱$, $P<۰/۰۱$)، صراحت/ عدم صراحت ($R=۰/۲۷۷$, $P<۰/۰۱$)، تشابه اقلیم و آب‌وهوا ($R=۰/۳۲۳$, $P<۰/۰۱$) و فاصله اجتماعی- فرهنگی کل ($R=۰/۳۵۳$, $P<۰/۰۱$) رابطه مثبت و معناداری داشت.

پ) بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با اسلامی بودن کشور محل تولد آن‌ها

اسلامی بودن یا نبودن کشور محل تولد دانشجویان عاملی بالقوه در تعیین میزان تطابق بین فرهنگی در نظر گرفته شد. به شیوه کدگذاری تصنعی، کد ۱ برای اسلامی بودن و کد ۰ برای اسلامی نبودن کشور محل تولد در نظر گرفته شد. در جدول ۶ می‌توان ضریب خی دو و توزیع تقاطعی را مشاهده کرد.

جدول ۵. نتایج آزمون هم‌بستگی فاصله اجتماعی-فرهنگی و میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
تطابق بین فرهنگی						
مذهب	۰/۳۲۹					
زبان	۰/۲۰۷	۰/۶۱۲				
جمع‌گرایی و فردگرایی	۰/۳۱۱	۰/۵۸۴	۰/۴۸۷			
صریح و غیرصریح بودن	۰/۲۷۷	۰/۴۳۰	۰/۳۲۴	۰/۶۶۶		
اقلیم و آب‌وهوا	۰/۲۲۳	۰/۳۰۹	۰/۳۴۴	۰/۴۰۲	۰/۴۱۹	
فاصله اجتماعی-فرهنگی کل	۰/۳۵۳	۰/۸۱۸	۰/۷۸۵	۰/۸۳۲	۰/۷۲۴	۰/۴۲۲

سطح معناداری: $P < 0/01$

جدول ۶. توزیع تقاطعی اسلامی بودن کشور محل تولد، تطابق بین فرهنگی و نتایج آزمون هم‌بستگی

اسلامی بودن	تطابق کم	تطابق زیاد	کل
اسلامی	۹۷	۱۱۶	۲۱۳
غیراسلامی	۳۱	۱۳	۴۴
خی دو	۹/۰۵۵	تعداد	
		۲۵۷	

سطح معناداری: $P < 0/01$

در بین نفراتی که از کشورهای اسلامی به ایران آمده‌اند، میزان تطابق بین فرهنگی بیشتر بود (۹۷ نفر تطابق کم و ۱۱۶ تطابق زیاد)، درحالی‌که بیشتر دانشجویان مهاجر از کشورهای غیراسلامی میزان تطابق کمی گزارش کرده‌اند (۳۱ نفر تطابق کم و ۱۳ نفر تطابق زیاد). ضریب خی دو به لحاظ آماری معنادار است و نشان می‌دهد اختلاف فراوانی‌ها قابل توجه بوده است (درجه آزادی=۱، $\chi^2 = 9/055, P < 0/01$).

ت) بررسی رابطه تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی با ویژگی‌های فردی و روان-شناختی دانشجویان بین‌المللی
رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی مثبت با تطابق بین فرهنگی دانشجویان با استفاده

از ضریب هم‌بستگی پیرسون بررسی شد. نمره کل ویژگی‌های مثبت شخصیتی با تراکم پاسخ به مواردی از قبیل گشودگی، مثبت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، ریسک‌پذیری و نظایر آن محاسبه شد. در جدول ۷ می‌توان ماتریس هم‌بستگی تطابق بین‌فرهنگی و ویژگی‌های شخصیتی را مشاهده کرد.

ضریب هم‌بستگی نمره کل ویژگی‌های شخصی و تطابق بین‌فرهنگی مثبت و معنادار بود ($R=0/389, P<0/01$). به عبارت دیگر، برخورداری از این صفات با میزان بیشتر تطابق بین‌فرهنگی همراه است. گشودگی ($R=0/239, P<0/01$)، مثبت‌اندیشی ($R=0/283, P<0/01$)، انعطاف‌پذیری ($R=0/236, P<0/01$)، سرسختی ($R=0/237, P<0/01$)، مقاومت ($R=0/303, P<0/01$)، شکیبایی ($R=0/277, P<0/01$)، کاردانی ($R=0/282, P<0/01$)، تنظیم عواطف ($R=0/194, P<0/01$)، اعتمادبه‌نفس ($R=0/263, P<0/01$)، تطابق با شرایط ($R=0/363, P<0/01$) و برقراری ارتباط ($R=0/343, P<0/01$) با سطح تطابق بین‌فرهنگی رابطه مثبت معنادار داشتند. رابطه بین ریسک‌پذیری و تطابق بین‌فرهنگی به لحاظ آماری معنادار نبود ($R=0/048, P>0/05$).

ث) بررسی رابطه تطابق بین‌فرهنگی دانشجویان خارجی با موانع انطباق آن‌ها در ایران

در مقاله حاضر، موانع تطابق بین‌فرهنگی برای دانشجویان خارجی، در ابعادی مانند دلتنگی برای خانه و خانواده، کمبود اطلاعات، نبود آشنایی با آیین و مراسم مذهبی و نظایر آن مفهوم‌سازی شد. برای نویسندگان این سؤال مطرح بود که این موانع چه ارتباطی با میزان تطابق بین‌فرهنگی دارند. برای فهم این مسئله به بررسی رابطه میان این موانع و تطابق بین‌فرهنگی دانشجویان بین‌المللی پرداختیم. در این قسمت، رابطه هم‌بستگی میان مهم‌ترین موانع انطباق و میزان تطابق بین‌فرهنگی دانشجویان خارجی بررسی شد. جدول ۸ نشان‌دهنده ماتریس هم‌بستگی موانع تطابق بین‌فرهنگی است.

جدول ۷. نتایج آزمون هم‌بستگی ویژگی‌های شخصی و میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. تطابق بین فرهنگی												
۲. گشودگی	۰/۲۳۹**											
۳. مثبت‌اندیشی	۰/۲۸۳**	۰/۴۶۴**										
۴. انعطاف‌پذیری	۰/۲۳۶**	۰/۴۸۴**	۰/۴۷۲**									
۵. ریسک‌پذیری	۰/۰۴۸	۰/۳۴۴**	۰/۲۲۰**	۰/۴۱۴*								
۶. سرسختی	۰/۲۳۷**	۰/۲۸۸**	۰/۴۴۲**	۰/۴۲۴**	۰/۴۴۰**							
۷. مقاومت	۰/۳۰۳**	۰/۳۴۴**	۰/۴۰۶**	۰/۳۴۸**	۰/۳۹۵**	۰/۶۱۵**						
۸. شکیبایی	۰/۲۷۷**	۰/۳۱۸**	۰/۴۲۳**	۰/۳۷۱**	۰/۲۰۳**	۰/۴۴۸**	۰/۴۷۸**					
۹. کاردانی	۰/۲۸۲**	۰/۳۶۶**	۰/۳۴۰**	۰/۳۹۴**	۰/۳۵۷**	۰/۴۶۲**	۰/۴۶۸**	۰/۴۳۶**				
۱۰. تنظیم عواطف	۰/۱۹۴**	۰/۲۱۲**	۰/۴۱۶**	۰/۲۲۹**	۰/۱۳۴*	۰/۲۵۸**	۰/۳۳۶**	۰/۴۸۰**	۰/۳۳۷**			
۱۱. اعتماد به نفس	۰/۲۶۳**	۰/۳۱۴**	۰/۵۰۳**	۰/۲۷۶**	۰/۲۶۴**	۰/۳۲۰**	۰/۳۷۲**	۰/۴۴۰**	۰/۳۲۸**	۰/۴۷۸**		
۱۲. تطابق	۰/۳۶۳**	۰/۴۸۷**	۰/۴۷۶**	۰/۴۹۶**	۰/۳۳۱**	۰/۴۲۶**	۰/۴۷۶**	۰/۳۹۴**	۰/۳۸۸**	۰/۳۴۸**	۰/۴۴۲**	
۱۳. برقراری ارتباط	۰/۳۴۳**	۰/۵۴۱**	۰/۴۲۰**	۰/۴۴۵**	۰/۳۱۸**	۰/۳۰۷**	۰/۳۵۴**	۰/۲۹۷**	۰/۴۷۲**	۰/۳۸۲**	۰/۳۴۹**	۰/۵۷۰**

* $P < ۰/۰۵$, ** $P < ۰/۰۱$

جدول ۸. نتایج آزمون همبستگی موانع تطابق و میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان خارجی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. تطابق بین فرهنگی								
۲. دلتنگی خانه و خانواده	-۰/۰۰۵							
۳. عدم تعلق و پذیرش	-۰/۰۹۹	۰/۱۲۹*						
۴. کمبود اطلاعات از فرهنگ	-۰/۳۱۵**	۰/۲۴۳**	۰/۱۶۰**					
۵. کمبود راهنمایی	-۰/۱۹۸**	۰/۳۰۷**	۰/۲۵۲**	۰/۴۰۴**				
۶. مقید نبودن ایرانیان به زمان	۰/۰۵۳	۰/۲۰۱**	۰/۱۰۷	۰/۱۲۰*	۰/۴۱۶**			
۷. ناآشنایی با مراسم مذهبی	-۰/۲۳۹**	۰/۳۰۷**	۰/۱۲۲*	۰/۴۱۹**	۰/۲۸۸**	۰/۱۳۵*		
۸. انتقال پول و نظام بانکی	-۰/۱۰۴	۰/۱۶۸**	۰/۲۱۲**	۰/۲۷۰**	۰/۲۸۸**	۰/۲۹۴**	۰/۳۱۶**	
۹. نمره کل موانع	-۰/۲۱۱**	۰/۵۶۵**	۰/۴۸۳**	۰/۶۲۶**	۰/۷۱۵**	۰/۵۷۳**	۰/۶۲۰**	۰/۶۱۸**

* $P < ۰/۰۵$, ** $P < ۰/۰۱$

بر پایه نتایج تحلیل هم‌بستگی پیرسون، تطابق بین فرهنگی با کمبود اطلاعات از فرهنگ ایران ($R = -0/315, P < 0/01$)، کمبود راهنمایی ($P < 0/01$)، ناآشنایی با آیین و مراسم مذهبی ($R = -0/239, P < 0/01$) و نمره کل موانع تطابق ($R = -0/211, P < 0/01$) رابطه منفی معنادار داشت. رابطه بین میزان تطابق بین فرهنگی و دلتنگی برای خانه و خانواده ($R = -0/005, P > 0/05$)، عدم تعلق و پذیرش در ایران ($R = -0/099, P > 0/05$)، مقیدنبودن ایرانیان به رعایت زمان ($R = 0/053, P > 0/05$) و مشکل انتقال پول و نظام بانکی ($R = -0/104, P > 0/05$) معنادار نبود.

۵. خلاصه و نتیجه‌گیری

فهم میزان انطباق بین فرهنگی اجتماعی دانشجویان بین‌المللی مشغول به تحصیل در ایران و عوامل مرتبط با این انطباق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این، فهم موانع تطابق اجتماعی-فرهنگی این دانشجویان نیز حائز اهمیت است. شناخت تجربیات مثبت و منفی دانشجویان بین‌المللی بر جذب سایر دانشجویان در آینده و نگهداشت موفقیت‌آمیز آنان تا پایان دوره تحصیلی خود در دانشگاه مؤثر است. نتایج به‌دست‌آمده در مقاله حاضر در این خصوص قابل توجه است. بررسی میزان تطابق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران نخستین هدف مقاله بود. طبق نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۱)، میزان تطابق بین فرهنگی دانشجویان از مقدار متوسط بیشتر بوده است. قابل ذکر است در این پژوهش میزان تطابق یک‌بار به‌طور کلی و یک‌بار بر اساس چهار مؤلفه فرهنگی-اجتماعی، دانشگاهی، محیطی و فردی سنجیده شد. نتایج جدول ۱، همچنین نشان می‌دهد میزان تطابق نه‌تنها در مجموع از حد متوسط بیشتر بوده است، بلکه در هر یک از چهار مؤلفه ذکر شده نیز بیشتر بوده است.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بیشترین تطابق افراد در زمینه فردی بوده است؛ یعنی، افراد توانسته‌اند از نظر شرایط فردی، بیشترین میزان تطابق را در خود ایجاد کنند. پس از آن، بیشترین میزان تطابق، با محیط دانشگاه گزارش شده است. سومین و چهارمین رتبه تطابق به ترتیب مربوط به شرایط محیطی و شرایط اجتماعی-فرهنگی بوده است. در شرایط محیطی، عواملی همچون ترافیک، شلوغی جمعیت، و آب‌وهوا مطرح شد که نشان می‌دهد دانشجویان به میزان کمی با این شرایط تطابق پیدا کرده‌اند. بیشترین مشکل دانشجویان در بحث تطابق با

شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران و تعامل مؤثر آن‌ها با محیط بوده است. طبق مفاهیم و نظریه‌های مطرح شده در پیشینه پژوهش، از جمله شوک فرهنگی و سازگاری بین فرهنگی، یکسری عوامل از جمله سطح آشنایی با زبان فارسی و انگلیسی، قرابت فرهنگی، اسلامی بودن کشور، ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی دانشجویان بین‌المللی عوامل مؤثر بر انطباق فرهنگی-اجتماعی دانشجویان شناخته شدند.

آشنایی با زبان کشور میزبان یکی از عوامل مرتبط با انطباق بین فرهنگی دانشجویان بین‌المللی است. به دلیل اینکه زبان هر کشور مهم‌ترین راه ارتباطی با مردم آن کشور برای آشنایی با فرهنگ و جامعه آن‌هاست. در این مطالعه میزان آشنایی دانشجویان با زبان فارسی سنجیده شد. همچنین، میزان آشنایی آن‌ها با زبان انگلیسی نیز به این دلیل سنجیده شد که آشنایی با آن به عنوان زبانی بین-المللی به افراد به طور عام در برخی موقعیت‌ها، به ویژه در محیط دانشگاه، برای آن‌ها راهگشا است. طبق جدول ۳، بیش از ۷۳ درصد پاسخگویان اعلام کردند که به میزان زیادی با زبان فارسی آشنایند. نتایج جدول ۴، نشان داد میان آشنایی با زبان فارسی و تطابق فرهنگی-اجتماعی آن‌ها رابطه معنادار زیادی وجود دارد. قابل ذکر است عامل زبان، یکی از عوامل سنجش شده در بحث قرابت فرهنگی دانشجویان بین‌المللی با کشور ایران در نظر گرفته شده است.

تقارب فرهنگی دانشجویان بین‌المللی با جامعه میزبان، یکی از عوامل مهم در انطباق بین فرهنگی آنان است. تقارب فرهنگی-اجتماعی با چهار عامل مذهب، زبان، جمع‌گرایی و فردگرایی، و صریح و غیرصریح بودن افراد جامعه، عملیاتی شد. همچنین، در بحث نزدیکی شرایط، شباهت اقلیم و آب و هوا هم در نظر گرفته شد. نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد تطابق بین فرهنگی با تمامی این عوامل رابطه مثبت و معناداری داشته است. هرچه فرهنگ کشور محل زندگی دانشجویان با فرهنگ ایران شبیه باشد، زمان کمتری را برای انطباق نیاز دارند. برای فهم بهتر مسئله، مورد اول یعنی شباهت و قرابت مذهبی، رابطه اسلامی بودن کشور دانشجویان با میزان انطباق آن‌ها سنجیده شد. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد بین اسلامی بودن کشور دانشجویان و میزان انطباق آن‌ها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این جدول نشان می‌دهد در بین نفراتی که از کشورهای اسلامی به ایران آمده‌اند، میزان تطابق بین فرهنگی بیشتر بود، در حالی که بیشتر دانشجویان مهاجر از کشورهای غیراسلامی میزان تطابق کمی گزارش کرده‌اند.

قابل ذکر است علاوه بر همه موارد ذکر شده، ویژگی‌های فردی دانشجویان نیز با میزان انطباق آن‌ها مرتبط است. این فرض وجود دارد که هرچه توانایی‌ها و مهارت‌های فردی دانشجویان بیشتر باشد، می‌توانند راحت‌تر بر مشکلات ناشی از شوک فرهنگی غلبه و انطباق بیشتری با محیط پیدا کنند. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد این فرضیه در مورد پاسخگویان شرکت‌کننده در پژوهش حاضر صحیح است. ویژگی‌های دانشجویان از قبیل مثبت‌اندیشی، انعطاف‌پذیری، سرسختی، مقاومت، شکیبایی، کاردانی، تنظیم عواطف، اعتمادبه‌نفس، تطابق با شرایط و برقراری ارتباط با سطح تطابق بین فرهنگی رابطه مثبت و معنادار داشتند.

موانع انطباق دانشجویان در جامعه ایران با فاکتورهایی مانند دلتنگی برای خانواده، کمبود اطلاعات راجع به فرهنگ ایران، کمبود راهنمایی در بدو ورود به ایران، مقید نبودن ایرانیان به رعایت زمان و مشکل انتقال پول و کارکردن با نظام بانکی عملیاتی شد. از میان عوامل ذکر شده، بین عامل دلتنگی برای خانه و خانواده و تطابق بین فرهنگی رابطه معناداری پیدا نشد. قابل ذکر است، ویژگی‌های مثبت فردی دانشجویان از جمله اعتمادبه‌نفس، سرسختی، مثبت‌اندیشی، گشودگی و نظایر آن با میزان تطابق رابطه مثبت و معنادار دارد. علاوه بر این، بیشترین میزان انطباق دانشجویان در قسمت فردی بوده است. بر این اساس می‌توان انتظار داشت دلتنگی برای خانواده جزء موانع مهم انطباق بین فرهنگی نباشد. اما، عوامل مهمی مانند کمبود راهنمایی در بدو ورود و یا کمبود اطلاعات در مورد جامعه و فرهنگ ایران، و ناآشنایی با آیین‌ها و مراسم مذهبی به‌طور منفی رابطه معنادار با میزان تطابق دارد.

با توجه به یافته‌های جدول ۸، کمترین میزان انطباق دانشجویان در قسمت فرهنگی-اجتماعی و تعامل مناسب با محیط بوده است. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که این عوامل جزء مهم‌ترین موانع انطباق باشند. قابل ذکر است این عوامل از جمله کمبود دریافت راهنمایی، به‌ویژه در مورد مسائل مرتبط با دانشگاه نظیر انتخاب واحد در بدو ورود از مهم‌ترین مشکلات دانشجویان بین‌المللی بوده است. بنابراین، در بحث سیاستگذاری برای دانشجویان بین‌المللی به این مسئله باید توجه داشت.

نکته نهایی در مورد این تحقیق این است که عمدتاً با استفاده از روش کمی و به‌شیوه پیمایشی در میان دانشجویان بین‌المللی دانشگاه تهران انجام گرفته است. پیشنهاد محقق این است که برای فهم عمیق‌تر مسائل و مشکلات مرتبط با

دانشجویان بین‌المللی، در مطالعات آینده از روش‌های کیفی، به‌ویژه مصاحبه عمیق با دانشجویان و مسئولان ذی‌ربط و مرتبط با آن‌ها استفاده شود. همچنین، سیاستگذاری‌های کلان‌تر در این حوزه مستلزم شمول دایره وسیع‌تری از دانشجویان بین‌المللی در سایر مراکز آموزش عالی و سایر دانشگاه‌هاست.

تشکر و قدردانی

این مقاله با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری انجام شده است.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ‌گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند.

دسترسی به داده‌ها

در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر در خصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

منابع

گادیکانست و. (۱۳۹۶). نظریه‌پردازی درباره ارتباطات میان فرهنگی. جلد ۲، ترجمه بشیر، ح و همکاران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- Abe J, Talbot D, Geelhoed R. (1998). "Effects of a peer program on international student adjustment". *Journal of College Student Development*. 39(6): 539-547.
- Barratt MF, Huba ME. (1994). "Factors related to international undergraduate student adjustment in an American community". *College Student Journal*. 28: 422-435.

- Basu AK, Ames RG. (1970). "Cross-cultural contact and attitude formation". *Sociology and Social Research*. 55: 5-16.
- Berry JW. (2005). "Acculturation: Living successfully in two cultures". *International Journal of Intercultural Relations*. 29: 697-712.
- Berry JW, Phinney JS, Sam DL, Vedder P. (2006). "Immigrant youth: Acculturation, identity, and adaptation". *Applied Psychology*. 55(3): 303-332. doi:10.1111/j.1464-0597.2006.00256.x.
- Bostic RW. (2003). "A test of cultural affinity in home mortgage lending". *Journal of Financial Services Research*. 23: 89-112. <https://doi.org/10.1023/A:1022852230803>.
- Cozzarelli C, Karafa J. (1998). "Cultural estrangement and terror management theory". *Personality and Social Psychology Bulletin*. 24(3): 253-267. <https://doi.org/10.1177/0146167298243003>.
- David EJR, Okazaki S, Saw A. (2009). "Bicultural self-efficacy among college students: Initial scale development and mental health correlates". *Journal of Counseling Psychology*. 56(2): 211-226. <https://doi.org/10.1037/a0015419>.
- Furnham A, Bochner S. (1982). "Social difficulty in a foreign culture: An empirical analysis of culture shock". *Cultures in Contact: Studies in Cross-Cultural Interaction*. S. Bochner (Ed.). Elmsford, NY: Pergamon. Press: 161-198.
- Gudykunst W, Kim Y. (2003). *Communicating with Strangers: An Approach to Intercultural Communication*. McGraw-Hill.
- Guerra R. (2017). "Cultural shock or cross-cultural adaptation?" <https://eindhovennews.com/features/2017/07/cultural-shock-cross-cultural-adaptation/>. (Retrieved in 2022).
- Hajara M. (2014). *An Analysis of Acculturative Stress, Sociocultural Adaptation, and Satisfaction among International Students at a Non-Metropolitan University*. Published Doctoral Dissertation. Western Kentucky University, Bowling Green, Kentucky.
- Hammer MR, Wiseman RL, Rasmussen J, Brusckie J. (1998). "A test of uncertainty/ anxiety management theory: The intercultural adaptation context". *Communication Quarterly*. 46: 309-326.
- Holden NJ, Burgess M. (1994). *Japanese-led Companies: Understanding How to Make Them Your Customers*. McGraw-Hill Book Company, London.
- Kim YY (2005). "Adapting to a New Culture". In Gudykunst W (Ed.): *Theorizing about Intercultural Communication*. Thousand Oaks, California: Sage Publications.
- Kunst JR, Sam DL. (2013). "Expanding the margins of identity: A critique of marginalization in a globalized world". *International Perspectives in Psychology: Research, Practice, Consultation*. 2(4): 225-241. doi:10.1037/ipp0000008.
- Lewthwaite M. (1996). "A study of international students' perspectives on crosscultural adaptation". *International Journal for the Advancement of Counseling*. 19: 167-185.
- Misra R, Castillo L. (2004). "Academic stress among college students: Comparison of American and international students". *International Journal of Stress Management*. 11(2): 132-148.
- Phillips C, Doole I, Lowe R. (1994). *International Marketing Strategy: Analysis, Development and Implementation*. Routledge, London.
- Redmond M. (2000). "Cultural distance as a mediating factor between stress and intercultural communication competence". *International Journal of Intercultural Relations*. 24(1): 151-159.
- Rudmin FW. (2003). "Critical history of the acculturation psychology of assimilation, separation, integration, and marginalization". *Review of General Psychology*. 7(1): 3. doi:10.1037/1089-2680.7.1.3. S2CID 144987871.

- Sawir E. (2005). "Language difficulties of international students in Australia: The effects of prior learning experience". *International Education Journal*. 6: 567-580.
- Selltiz C, Christ J, Havel J, Cook S. (1963). *Attitudes and Social Relations of Foreign Students in the United States*. University of Minnesota Press.
- Stephan W, Stephan C. (1985). "Intergroup anxiety". *Journal of Social Issues*. 41(3): 157-166.
- Swift JS. (1999). "Cultural closeness as a facet of cultural affinity". *International Marketing Review*. 16(3): 182-201.
<http://dx.doi.org/10.1108/02651339910274684>.
- Triandis HC. (1995). *Individualism & collectivism*. Boulder, CO: Westview Press.
- Volet SE, Ang G. (1998). "Culturally mixed groups on international campuses: An opportunity for Inter-cultural learning". *Higher Education Research & Development*. 17: 5-23.
- Ward C, Kennedy A (1999). "The measurement of sociocultural adaptation". *International Journal of Intercultural Relations*. 23(4): 659-677.
doi:10.1016/S0147-1767(99)00014-0. ISSN 0147-1767.
- Ward C, Okura Y, Kennedy A, Kojima T. (1998). "The U-curve on trial A longitudinal study of psychological and sociocultural adjustment during cross-cultural transition". *International Journal of Intercultural Relations*. 22(3): 277-291.
- Ward C, Searle W. (1991). "The impact of value discrepancies and cultural Identity on Psychological and Sociocultural Adjustment of Sojourners". *International Journal of Intercultural Relation*. 15: 209-225.
- Wilson GP. (2011). *Fitting-In: Sociocultural Adaptation of International Graduate Students*. Published Doctoral Dissertation. Johnson & Wales University, Denver, Colorado.
- Wilson J. (2013). *Exploring the past, present and future of cultural competency research: The revision and expansion of the sociocultural adaptation construct*. Unpublished Doctoral Dissertation. Victoria University, Wellington.
- Winkelman M. (1994). "Cultural shock and adaptation". *Journal of Counseling and Development*. 73: 121-126.
- Yates L, Wahid R. (2013). "Challenges to brand Australia: International students and the problem with speaking". *Higher Education Research & Development*. 32(6): 1037-1050.
- Yu B. (2013). "Asian international students at an Australian University: Mapping the paths between integrative motivation, competence in L2 communication, cross-cultural adaptation and persistence with structural equation modelling". *Journal of Multilingual and Multicultural Development*. 34: 727-742.